

انتظار از زن در نهاد خانواده از نگاه امام خامنه‌ای

زهرا صرفی^۱

چکیده

دین اسلام نهاد خانواده را مقدس می‌داند و آن را بستری برای کمال زن و مرد و بقای نسل بشر دانسته‌است، بنای این نهاد مبارک بر مودت و رحمت است. امروزه در پی تهاجم فرهنگی غرب و ترویج گفتمان‌های فمینیستی نهاد خانواده به ویژه از زاویه نقش محوری زن در این نهاد رو به ضعف نهاده است. از این رو پژوهش حاضر به منظور آگاهی بخشی لازم درباره جایگاه ممتاز زن در خانواده، تلاش دارد تا به مساله انتظار از زن در نهاد خانواده از نگاه امام خامنه‌ای بپردازد. بدین منظور با رویکرد تحلیل محتوا به واکاوی بیانات رهبر بزرگوار انقلاب امام خامنه‌ای بر پایه منابع مندرج در نرم‌افزار حدیث ولایت ۳ پرداخته است. بر اساس یافته‌های پژوهش رهبر معظم انقلاب بر لزوم آگاهی زنان از جایگاه و حقوق و تکالیف زن مسلمان تاکید دارند و این آگاهی را برای احقاق حقوق زنان ضروری می‌دانند. همچنین از نظر اسلام جنسیت در انسانیت و دستیابی به کمال مداخلیتی ندارد. ازدواج و تشکیل خانواده یک وظیفه مبتنی بر نیاز است و برای کمال زن و مرد ضرورت دارد. زن رکن اصلی نهاد خانواده و حافظ آن است و مهمترین وظیفه او در خانواده خانه داری و نه خدمتگزاری است. زن کدبانوی خانه است و در مقام همسری آرامش‌بخش و در مقام مادری حیات‌بخش و هویت‌بخش است. با توجه به چنین شانیتی، دیگر زن به یک جایگاه مصنوعی و تصنعی و تشریفاتی احتیاج ندارد؛ جایگاهی که دون شأن متانت، سکینه و آرامش روحی اوست. با پیدایش چنین نگرشی به جایگاه ممتاز زن در خانواده، زن خود قیام می‌کند و به میدان می‌آید تا بار حراست از کیان نهاد مقدس خانواده را به دوش کشد.

کلیدواژه: وظایف زن، خانواده، همسری، مادری، خانه‌داری، فرزندآوری

¹ . استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران
sarfi@alzahra.ac.ir

مقدمه/بیان مساله

رسانه محملی برای انتقال فرهنگ سکولار غرب به جوامع اسلامی بوده است. گفتمان‌های فمینیستی با نادیده‌انگاشتن تمایزهای جنسیتی و طرح شعارهای فریبنده، نقش زن در خانواده را با ابزار رسانه به چالش کشیده است. بر خلاف بسیاری از نخبگان علمی و مذهبی که در برابر این جریان تسلیم شده‌اند، امام خامنه‌ای با شجاعت تمام، غرب و فرهنگ غربی را به مبارزه خوانده‌اند و بیان کرده‌اند که در مسئله‌ی زن، موضع ما در قبال مدعیان ریاکار غربی، موضع مطالبه است، موضع دفاع نیست... غرب متجدد یعنی همین که از حدود دویست سال پیش به این طرف در همه‌ی شئون زندگی یک حرفی ابراز کرده؛ ما در قبال اینها مطالبه‌کننده‌ایم، اینها نسبت به مسئله‌ی زن جداً گناهکارند، مقصّرند؛ ضربه زدند، جنایت کردند (بیانات، ج ۴۴ ص ۶۹). امروزه بحران‌های اخلاقی که در واقع زیربنای سایر بحران‌های جهانی است، بیش از هر زمان انسانیت را تهدید میکند. جدایی از ارزش‌های ادیان الهی که مطمئن‌ترین معیارها برای تنظیم رفتار بشر هستند، منجر به هرج و مرج اخلاقی گردیده و بنیادهای فرهنگی جوامع را به شدت لرزان ساخته است. اشاعه‌ی فساد و فحشاء روند فزاینده یافته و اساس و بنیان خانواده یعنی سنگ بنای جامعه و مایه‌ی دوام و بقای نسل در معرض تزلزل و بی‌بند و باری فاجعه‌آمیزی قرار گرفته است» (بیانات، ج ۸، ص ۱).

خدا زن را این‌گونه آفریده... ظریف‌کاری‌ها و ریزه‌کاری‌ها و رشته رشته پروردن احساسات و عواطف بشر، در اختیار زن است. گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش است. هر جا سخن از تضعیف خانواده است، نقش این بخش مهم نادیده گرفته شده. هر جا سخن از بی‌اعتنایی به هنر مادری و هنر تربیت فرزند در آغوش پُر مهر و محبت مادر است، این نقش نادیده گرفته شده. دنیای غرب این جرم بزرگ را دارد که این نقش را تضعیف کرده و در مواردی نادیده گرفته است. بخشی از بزرگی این گناه به این مربوط است که این حرکت فاجعه‌آمیز را با نام «حمایت از زن» انجام می‌دهد؛ درحالی‌که این حمایت از زن نیست؛ این خیانت به زن و خیانت به انسان است (بیانات، ج ۲۷، ص ۲۹). بر این اساس اگر زنان به ماهیت خیانت‌بار شعارهای فریبنده‌ای که در غرب با عنوان حمایت از

زن مطرح می‌شود، پی ببرد، علیه آن قیام خواهد کرد. افزون بر این غرب از این ابزار برای از بین بردن سایر فرهنگ‌ها نیز سود می‌جوید. از این رو ایشان اشاره می‌کنند که آن کسانی که می‌خواهند در یک کشور یا جامعه‌ای نفوذ پیدا کنند فرهنگ آن جامعه را در مشت خود بگیرند و فرهنگ خود را به آنها تحمیل نمایند، یکی از کارهایشان، معمولاً متزلزل کردن بنیان خانواده است. کما اینکه در خیلی از کشورها این کار را متأسفانه انجام داده‌اند. مردها را بی‌مسئولیت و زنها را بداخلاق کرده‌اند ... اسلام می‌خواهد این را حفظ کند. این خانواده را نگهدارد (۱۳۹۸، ص ۸۰). با توجه به این حجم‌ها ضرورت بازخوانی جایگاه زن از نگاه اسلام و به طور خاص انتظار از او در نهاد خانواده مساله بسیار مهمی است، که مورد اهتمام جدی امام خامنه‌ای به ویژه در سال‌های اخیر بوده است. بر این اساس پژوهشگران نیز درباره مساله زن یا خانواده در اندیشه امام خامنه‌ای مطالعاتی را سامان داده‌اند که مهمترین آنها طبق پایگاه اطلاعاتی نورمگز عبارتند از: مقاله «آسیب‌شناسی خانواده در فرهنگ غرب از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» (شعبان پور پیچا: ۱۳۹۲)؛ مقاله «واکاوی نقش اجتماعی زن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» (لول‌آور و شاهمرادی زواره: ۱۳۹۳)؛ مقاله «تحلیل نسبت زن و آزادی در اسلام در مقایسه با غرب بر اساس آراء آیت‌الله خامنه‌ای» (سعیدیان و یراقی: ۱۳۹۳)؛ مقاله «راهکارهای مقابله با فرهنگ غرب در خصوص مسئله زن در بیانات امام خامنه‌ای» (سعیدیان و یراقی: ۱۳۹۴)؛ مقاله «شاخصه‌های سیاسی زن مسلمان انقلابی از دیدگاه امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای» (زارع: ۱۳۹۸)؛ مقاله «مدل مفهومی زن در گفتمان انقلاب اسلامی» (خادمی و تقی زاده: ۱۳۹۸). همانطور که از عنوان این مطالعات پیداست هیچ‌کدام به مساله انتظار از زن در نهاد خانواده نپرداخته‌اند.

با توجه به اینکه دشمن با تکیه بر اهرم‌هایی چون عدم شناخت زنان نسبت به حقوق و مسئولیت‌های خویش، نادیده انگاشتن نهاد خانواده، ترویج بی‌اعتنایی به ارزش‌های اخلاقی و دینی و تصویرسازی فریبنده و دروغین از وضعیت زنان غربی و سیاه‌انگاری وضعیت زنان مسلمان بهترین بهره را برای همسان‌سازی فرهنگی زنان ما با زنان غربی برده است، ضرورت دارد تا با مطالعه و پژوهش درباره مساله انتظار از زن در نهاد خانواده و تبیین افق‌های

روشنی که از حفظ سنگر خانواده و احیای نقش ممتاز زن در پاسداری از آن به ارمغان خواهد آورد، گامی در راه آگاهی‌بخشی به فریفتگان و مقهورین این فرهنگ مبتذل برداشته گردد. از این رو مقاله حاضر با رویکرد تحلیل محتوا به واکاوی بیانات رهبر بزرگوار انقلاب امام خامنه‌ای پرداخته است تا در چارچوب بیانات این رهبر قرآنی (۱۴۰۰، مقدمه) به مساله انتظار از زن در نهاد مقدس خانواده بپردازد. این مطالعه بر پایه نرم افزار حدیث ولایت ۳ انجام شده است که مشتمل بر مجموعه بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) از سال ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۲ به همراه متن ۱۴۱ عنوان کتاب در ۲۴۳ جلد از آثار انتشارات انقلاب اسلامی است.

۱- لزوم آگاهی از جایگاه و حقوق و تکالیف زن مسلمان

خود بانوان کشور باید نسبت به موضوع زن از نظر اسلام، دارای آگاهی کافی و لازم باشند، تا بتوانند با اتکا به نظر والای دین مقدس اسلام، از حقوق خود به طور کامل دفاع کنند، و هم‌همه‌ی افراد جامعه و مردان در کشور اسلامی باید بدانند که نظر اسلام در مورد زن، حضور زن در عرصه‌های زندگی، فعالیت زنان، تحصیل زنان، کار و تلاش اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و علمی زنان، نقش زن در خانواده و نقش زن در بیرون از خانواده چیست (بیانات، ج ۱۸، ص ۴۰). نظر اسلام در مورد زندگی انسان و شأن زنان، در سه بخش قابل تقسیم است... اگر در بخشی از جامعه‌ی اسلامی نسبت به زن مسلمان، کوتاهی‌هایی صورت می‌گیرد، قدری تقصیر مردان و قدری هم تقصیر خود بانوان است؛ چون آن کسی که باید شأن اسلامی زن را بشناسد و از آن دفاع کند، در درجه‌ی اول خود بانوان هستند. باید بدانند که خدا و قرآن و اسلام، در باره‌ی آن‌ها چه قضاوتی دارد، از آن‌ها چه می‌خواهد، مسئولیت آن‌ها را چه چیزی معین می‌کند و از آنچه که اسلام فرموده و خواسته، دفاع کنند و بخواهند. اگر نخواهند، کسانی که به هیچ ارزشی پایبند نیستند، به خود اجازه خواهند داد که به زن ستم کنند؛ کما اینکه امروز در دنیای غرب و در زیر سایه‌ی نظام‌های مادی آن دیار، با وجود شعارهایی که نسبت به زن می‌دهند، بیشترین ظلم را مردان غربی به زنان

می‌کنند؛ ... یعنی اگر در نظامی ارزشهای معنوی حاکم نباشد، خدا در دلها نباشد، مرد با تکیه بر قدرت جسمانی، راه خود را برای ظلم و تعدی به زن باز می‌بیند. چیزی که مانع است، دو چیز است: یکی ملاحظه‌ی خدا و قانون و ایمان و امثال این‌ها، و یکی هم خود زن که حقوق انسانی و الهی خود را درست بشناسد و از آن دفاع کند و خود را به معنای حقیقی کلمه بطلبد. در این مورد، اسلام یک حدّ میانه و بدون افراط و تفریط را ارائه می‌دهد. نه به زن اجازه‌ی ظلم کردن می‌دهد و نه طبیعت زن و مرد را نادیده می‌گیرد (بیانات، ج ۱۸، ص ۴۰)

۲- زن و امکان دستیابی به مراحل عالی کمال

یک نکته مهم نگاه اسلام به مسئله‌ی جنسیت و به مسئله‌ی زن است که نظر اسلام نسبت به مسئله‌ی زن و مرد چیست. اسلام در ارزش‌گذاری انسانی و اسلامی، «انسان» را مورد نظر دارد؛ زن و مرد هیچ خصوصیتی ندارند، هیچ تفاوتی ندارند؛ تساوی زن و مرد در زمینه‌ی ارزشهای انسانی و اسلامی جزو مسلمات اسلام است؛ در این هیچ تردیدی نیست: (إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ)؛ ده خصوصیت عمده را ذکر میکند برای مرد و زن، که همه یکسانند؛ (أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا) (احزاب: ۳۵). نگاه اسلام این است. یا در یک آیه‌ی دیگر می‌فرماید: أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ (آل عمران: ۱۹۵)؛ تفاوتی ندارند. یعنی از لحاظ ارزش‌گذاری انسانی و اسلامی، هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست (بیانات، ج ۴۴، ص ۶۹).

امام خامنه‌ای درباره فلسفه گفتمان مردانه قرآن هم بیان کرده‌اند که این مساله به معنای ترجیح مرد بر زن نیست، ... نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه‌ی دو است؛ نگاه اول و درجه‌ی یک، حیث انسانیت است؛ که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد. خطاب، انسان است

... صیغه‌ی ءامنوا، صیغه‌ی مردانه است، نه صیغه‌ی زنانه؛ اما این به هیچ وجه به معنای این نیست که در این خطاب، مرد بر زن ترجیح دارد؛ این ناشی از عوامل دیگر است؛ ... مثلاً در زبان فارسی جمعیت را می‌گوئیم مردم؛ از مرد می‌گیریم ... در انگلیسی « HUMAN » ، چرا « MAN » ؟ این نشانه‌ی این نیست که غلبه‌ی فرهنگ مردانه این را به وجود آورده و در لغت یک چنین تصرفی کرده؛ نه، این یک عامل دیگری دارد. بالاخره در داخل خانواده، مرد نمای بیرونی است، زن نمای داخلی است... مرد ظاهرتر است، ساختمان او اینجوری است؛ خدای متعال او را برای این کار ساخته و پرداخته، زن را برای یک کار دیگری؛ بنابراین بروز و ظهور و نمایش و نمود داشتن در مرد بیشتر است؛ به خاطر همین خصوصیات، نه به خاطر ترجیح (بیانات، ج ۳۳، ص ۵۸).

زن و مرد، هیچ تفاوتی در میدان رشد و تکامل معنوی ندارند ... زن هم می‌تواند به بالاترین مقامات از لحاظ معنوی برسد... قرآن کریم، وقتی می‌خواهد نمونه‌ای برای انسانهای بالیمان ذکر کند، آن را از میان مردان ذکر نمی‌کند؛ از میان زنان ذکر می‌کند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ» (تحریم: ۱۱). خدای متعال در اینجا، دو زن را به عنوان دو نمونه از انسانهای برجسته و مؤمن - نه از زنان برجسته - ذکر می‌کند. یعنی در صحنه‌ی انسانیت و تکامل معنوی، خدای متعال وقتی می‌خواهد نمونه‌ی ممتازی بیان کند، سخن از پیامبران و مردان بزرگ و شخصیت‌های علمی و دینی نمی‌کند؛ بلکه سخن از دو زن به میان می‌آورد که یکی از آن دو زن، زن فرعون است ... زنی در مقام مبارزه با قدرت طاغوتی شوهرش، زنی با استقلال کامل که زیر بار شوهر متجاوز و قدرتمند و فرعون صفت و فرعون نام خود نمی‌رود. عظمت این زن، اینجاست که شوهر نمی‌تواند راه گمراهی را بر او تحمیل کند؛ اگرچه آن شوهر، شخصی در حد فرعون با آن قدرت و با آن شخصیت باشد. میلیونها مرد، زیر دست فرعون و محکوم اراده‌ی اویند؛ اما همسر خود این مرد، در خانه محکوم اراده‌ی او نیست؛ آزاد است، به خدا ایمان می‌آورد، راه فرعون را ترک می‌گوید و راه خدا و راه حق را انتخاب می‌کند. لذا به عنوان یک موجود و یک انسان برجسته، نه فقط از میان زنان، بلکه از میان همه‌ی بنی نوع بشر انتخاب می‌شود (بیانات، ج ۱۸، ص ۴۰).

امام بزرگوار فرمودند که اگر فاطمه‌ی زهرا مرد بود، پیغمبر میشد. خیلی حرف عجیبی است، خیلی حرف بزرگی است و جز از زبان کسی مثل امام بزرگوار که هم عالم بود، هم فقیه بود، هم عارف بود، انسان این حرف را نمیتواند بشنود؛ اما ایشان گفته است این حرف را. [فاطمه‌ی زهرا] این است؛ یعنی یک رهبر به تمام معنا، مثل یک پیغمبر، مثل یک هدایتگر عموم بشر؛ در این حد و در این اندازه زهرا‌ی اطهر، دختر جوان، ظاهر میشود؛ این زن اسلام است... حقایق گوناگون دیگری هم ورای اینها وجود دارد. زن در منطق اسلام این است. حالا یک عده آدم جاهل و نادان پیدا بشوند که درباره‌ی نگاه اسلام به زن خدشه کنند و حرفهای ناقص و معیوب و پُراشکال غربی‌ها را به رخ انسان بکشند، این چقدر انحراف و چقدر خطا است (بیانات، ج ۳۸، ص ۶۱). آن حضرت تجسم عالی‌ترین مفاهیم انسانی و اسلامی در مورد زن است، که به اینها باید توجه کرد؛ برخی از مفاهیم اسلامی مفاهیم اختصاصی است، مثل مادری، همسری، کدبانویی، تربیت فرزند؛ در همه‌ی اینها اوج قلّه‌ی تصوّر، حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است. در عرصه‌های مشترک و در آن چیزهایی که بین زن و مرد مشترک است، مثل بندگی خدا - وظایف بزرگ مثل بندگی خدا - وضعیّت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) یک وضعیّت فوق‌العاده اعجاب‌انگیز و مهم است... حسن بصری که از زهاد ثمانیّه‌ی معروف است و زاویه هم دارد با اهل بیت، میگوید که «ما کان فی هذه الامة اعبد من فاطمة کانت تقوم حتی تورم قدمها» اینکه وظیفه‌ی عبادت، بعد وظیفه‌ی امر به معروف و مجاهدت، یعنی حضور در آن میدان عجیبی که بنا بود سرنوشت امت اسلام در آن میدان تعیین بشود و آن حضور طوفانی عجیب فاطمه‌ی زهرا با آن خطبه‌های عجیب. نقشه‌ی جامع هویت زن در منطق اسلام این است؛ مادر خوب، همسر خوب، مجاهد فی سبیل الله، در عین حال کدبانو، مدیر خانه، و در عین حال عابد و بنده‌ی خدای متعال. و در نهایت، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) نشان داد که زن میتواند به رتبه‌ی عالی عصمت برسد که اینها خصوصیات این بزرگوار است (بیانات، ج ۴۲، ص ۲۳).

۳- ضرورت ازدواج و تشکیل خانواده

تشکیل خانواده ناشی از یک قانون عامّ عالم وجود است، قانون عامّ آفرینش است؛ آن قانون عبارت است از قانون زوجیت: *سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ* (یس:۳۶) خدای متعال در همه چیز، در همه چیز — خَلَقَ الْأَشْيَاءَ كُلَّهَا — در همه چیز زوجیت قرار داده؛ در انسان زوجیت هست، در حیوانات زوجیت هست، در گیاهان زوجیت هست؛ *وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ*؛ یک چیزهایی هم هست که زوجیت هست، ما نمیدانیم *وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ* (ذاریات:۴۹)، زوجیت یک قانون عام است (بیانات، ج ۴۴، ص ۶۹). لذا زوج طلبی یعنی جفت خواهی جزو طبایع انسان است و مرد و زن در این جهت متفاوت نیستند (۱۴۰۱، ص ۴۹۵).

اصل در ازدواج عبارت است از پیوند زناشویی دختر و پسر و تشکیل خانواده. همین قدر که دختر و پسر همدیگر را ببینند و عقد شرعی جاری بشود و اینها با هم زن و شوهر بشوند، یک کانون خانواده به وجود آمده و یک خانواده‌ی جدیدی تشکیل شده است. شارع مقدّس، خانواده‌ی مسلمان و سالم را دوست دارد. وقتی خانواده تشکیل شد، برکات زیادی در آن هست، نیازهای زن و شوهر تأمین میشود، نسل بشری ادامه پیدا میکند. اما اصل قضیه، فرزند، زیبایی و ثروت نیست. اصل قضیه این است که دو نفر با هم زندگی مشترکی را تشکیل میدهند و این محیط باید یک محیط سالمی باشد ... مهمترین فایده و هدف ازدواج، عبارت است از تشکیل خانواده. نفس این علقه‌ی زوجیت و تشکیل یک واحد جدید، مایه‌ی آرامش زن و مرد و مایه‌ی کمال و اتمام شخصیت آنهاست. بدون آن، هم زن و هم مرد ناقصند (۱۳۹۸، ب، ص ۲۶). پس ازدواج هم یک وظیفه است هم یک نیاز؛ از باب اینکه وظیفه است بایستی این وظیفه بهنگام و طبق مقررات انجام بگیرد. بهنگام، یعنی نگذارید خیلی دیر بشود، دخترها و پسرها را زود، هنگامی که به حدّ ازدواج رسیدند اینها را مزدوج کنید (همان، ص ۲۳).

ازدواج مجردان یک مسئله مهم است: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنَ الْعَالَمِينَ وَ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ» (نور:۳۲)، این الان واقعاً لازم است (بیانات، ج ۴۱ ص ۲۵). خداوند متعال از زن و مرد تنها خوشش نمی‌آید، ... خدای متعال از زندگی مشترک و مزدوج خوشش می‌آید. آدم تنها، مرد تنها و زن تنها که همه عمر را به تنهایی می‌گذرانند، از دید اسلام یک چیز مطلوبی نیست. مثل یک موجود بیگانه است در مجموعه پیکره انسانی. اسلام این‌طور خواسته که خانواده، سلول حقیقی مجموعه پیکره جامعه باشد نه فرد تنها (۱۳۹۸، ص ۲۸). بنابراین ازدواج بهنگام و بدون تأخیر یکی از کارهای لازم و واجب است ... جزو نیازهای حیاتی امروز کشور و فردای کشور است (بیانات، ج ۴۲ ص ۲۳). الان دختر و پسر عزب و بی‌همسر در کشور ما خیلی زیاد است؛ زیاده‌تر از اندازه‌ای است که قاعدتاً باید وجود داشته باشد. خب، این یک پدیده بدی است، این منشأ آثار بسیار بدی است. بنابراین یکی از چیزهایی که باید دنبالش بود مسئله‌ی ایجاد ازدواج و تسهیل ازدواج است... واقعاً بنشینند فکر کنند صاحبان فکر... چه کار میتوانیم بکنیم، چه جور میشود و چه تدبیری و چه راه و روش درستی وجود دارد که ... ازدواجها را زیاد کنیم (بیانات، ج ۳۸، ص ۱۳). باید فرهنگ‌سازی بشود (بیانات، ج ۴۱ ص ۶۲).

۴- زن رکن اصلی خانواده

زن مسلمان، در عائله وظایفی دارد و آن، همان رکنیت اساسی خانواده و تربیت فرزندان و هدایت و تقویت روحی شوهر است ... در واقع، خانواده را هم زن به وجود می‌آورد و اداره می‌کند؛ این را بدانید. آن عنصر اصلی تشکیل خانواده، زن است، نه مرد. بدون مرد، ممکن است خانواده‌ای باشد. یعنی اگر فرض کنیم در خانواده‌ای، مرد خانواده حضور نداشته باشد، یا از دنیا رفته باشد، زن خانواده اگر عاقل و با تدبیر و خانه‌دار باشد، خانواده را حفظ می‌کند؛ اما اگر زن از خانواده‌ای گرفته شد، مرد نمی‌تواند خانواده را حفظ کند. بنابراین، خانواده را زن حفظ می‌کند (بیانات، ج ۱۸ ص ۴۰).

زن میتواند بعنوان یک مبارز، یک سلحشور، یک مجاهد فی سبیل الله در صحنه‌ی جامعه ظاهر بشود. البته در حالی که همه‌ی این تلاشها و فعالیتها برای زن جایز است و مباح است و مطلوب است و تشویق میشود زن به این کارها، بایستی خانواده بعنوان یک عنصر اصلی که قائم به وجود زن هست در جامعه‌ی متلاشی نشود؛ یعنی تلاشهایی که بانوان در جامعه میکنند بایستی بصورتی باشد که خانواده را و استحکام بنای خانواده را تحت تأثیر قرار ندهد (۱۳۹۸، ب، ص ۵۲). دنیایی که زن را از داخل خانواده جدا میکند و با وعده‌های توهم آمیز بیرون میکشد و او را در مقابل نگاه و حرکت هرزه‌ی جامعه، بی‌پناه و بی‌دفاع میکند و میدان را برای تعرض به حقوق او باز میکند، هم زن را تضعیف میکند، هم خانواده را نابود میکند، هم نسلهای آینده را به خطر میاندازد. هر تمدن و هر فرهنگی که این منطقی را داشته باشد، دارد فاجعه ایجاد میکند (۱۳۹۸ الف، ص ۱۶۸).

۵- خانه‌داری

اصلی‌ترین نقش یک زن از نظر اسلام همین نقش خانه‌داری است منتها مهم این است که خانه‌داری به معنای خانه‌نشینی نیست. بعضی اینها را با هم اشتباه میکنند؛ وقتی میگوییم خانه‌داری، خیال میکنند میگوییم داخل خانه بنشینید، هیچ کار نکنید، هیچ وظیفه‌ای انجام ندهید، تدریس نکنید، مجاهدت نکنید، کار اجتماعی نکنید، فعالیت‌های سیاسی نکنید؛ معنای خانه‌داری این نیست. خانه‌داری یعنی خانه را داشته باشید؛ در کنار داشتن خانه، هر کار دیگری که از عهده‌ی شما برمی‌آید و میل به آن و شوق به آن را دارید میتوانید انجام بدهید؛ منتها همه در ذیل خانه‌داری است. اگر چنانچه امر، یک جایی دائر شد بین اینکه جان این بچه حفظ بشود یا آن کار در اداره انجام بگیرد، جان این بچه مقدم است؛ در این تردیدی دارید؟ نه، یعنی هیچ زنی در این تردید ندارد که اگر جان بچه در خطر بیفتد یا آن کار در اداره در خطر بیفتد، جان بچه مقدم است. اخلاق بچه هم همین طور است، ایمان بچه هم همین طور است، تربیت بچه هم همین طور است. یعنی همان طور که در مورد جان بچه تردیدی ندارید، در مورد تربیت هم همین طور است. البته یک جاهایی هست که

میتوان با یک شیوه‌ای، با یک شگردی، این به اصطلاح تردید و دَوْران امر بین این و آن را به یک شکلی حل کرد، یک مواردی میشود حل کرد، اما اگر چنانچه واقعاً دَوْران بود و چاره‌ای نبود، این مقدم بر آن کار اداره است؛ ولیکن اگر آن هم کار مُجازی است، کار لازمی است، در مواردی ضروری است یعنی کارهای اجتماعی در یک مواردی فریضه است، وظیفه است، باید انجام بدهید آنجا خوب باید انجام داد ... بنابراین در موارد عادی، محور وظایف زن، خانواده است و واقعاً هم خانواده بدون حضور زن، بدون فعالیت زن، بدون احساس تکلیف زن، امکان ندارد اداره بشود، و اداره نمیشود؛ بدون زن، اداره نمیشود. یک گره‌های ریزی گاهی در خانواده هست که جز با سرانگشت ظریف زن باز نخواهد شد. مرد هر چه هم قوی باشد و توانا باشد، نمیتواند بعضی از گره‌ها را باز کند. این گره‌های ظریف و گاهی گره‌های کور، جز با سرانگشت ظریف زن بازشدنی نیست (بیانات، ج ۴۴ ص ۶۹).

۵-۱- خانه‌داری و نه خدمتگزاری

طبیعت زن و مرد، هرکدام ویژگی‌ای دارد. در داخل خانواده، کار و روحیات مرد را نباید از زنان توقع کرد؛ روحیات زن را هم در خانواده نباید کسی از مرد توقع کند. هرکدام یک خصوصیات طبیعی و روحی دارند که مصلحت بشر، مصلحت جامعه، مصلحت نظام اجتماعی زن و مرد این است که روحیات و خصوصیات مرد وزن در تعامل این‌ها در داخل خانواده دقیقاً رعایت شود؛ که اگر رعایت شد، هم این خوشبخت است و هم آن. اما کسی به کسی حق ظلم کردن، زور گفتن و استخدام کردن ندارد. بعضی از مردان خیال می‌کنند که زن وظیفه دارد همه‌ی کارهای مربوط به آن‌ها را انجام دهد. البته در محیط خانواده، زن و مردی که به هم علاقه دارند، با کمال میل و شوق، کارها و خدمات یکدیگر را انجام می‌دهند؛ اما انجام دادن از روی میل، غیر از این است که کسی احساس کند، یا این طور عمل کند که گویا وظیفه‌ی زن است که باید مثل یک مستخدم، خدمت مرد را به آن شکل انجام دهد. چنین چیزی در اسلام وجود ندارد (بیانات، ج ۱۸ ص ۴۰). خوب، حالا زن در خانواده، در محیط خانواده، چه کاره است؟ من با توجه به مجموعه‌ی معارفی که در آیات و روایات و مانند اینها هست در ذهن خودم این جور تصویر میکنم که زن، هوایی است که

فضای خانواده را انباشته؛ یعنی همچنان که شما در فضا تنفس میکنید، اگر هوا نباشد، تنفس ممکن نیست، زن این جور است؛ زن خانواده به منزله‌ی تنفس در این فضا است. اینکه در روایت هست: الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ ، مال اینجا است، مال خانواده است. «ریحانه» یعنی گل، یعنی عطر، بوی خوش؛ همان هوایی که فضا را پر میکند. «قهرمان» در زبان عربی با قهرمان در زبان فارسی فرق دارد. «قهرمان» یعنی کارگزار، کارگر یا مثلاً فرض کنید سرکارگر؛ زن یک «قهرمانه» نیست. در خانواده، این جور نیست که شما خیال کنید حالا زن گرفتید، کارها را بریزید سر زن؛ نخیر. خودش داوطلبانه یک کاری را میخواهد انجام بدهد، خانه‌ی خودش است، دلش میخواهد یک کاری را انجام بدهد، انجام داده؛ اگر نه، هیچ کس حق ندارد او را وادار کند، اجبار کند به اینکه این کار را باید انجام بدهد (بیانات، ج ۴۴ ص ۶۹) . پس در نظر اسلام و در نگاه کلی‌ای که اسلام دارد... مثل یک گل وجودش لازم است و نگهداری‌اش لوازمی دارد... حالا شما ببینید اگر در یک خانواده‌ای، در یک جامعه‌ای، به زن با این چشم نگاه بشود، اولاً تکریم او، حفظ حرمت او، برخورد ملاطفت‌آمیز با او و مسائل فراوانی که دنبالش هست، چقدر موجب میشود که زن احساس امنیت کند، احساس آرامش کند (بیانات، ج ۳۸ ص ۱۳) . پس این تصوّر از زن در خانه، یعنی تصوّر یک موجود درجه‌ی دویی که موظّف به خدمتگزاری به دیگران است ... این درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که اسلام بیان کرده است. .. مسئله‌ی احترام کار زن در خانه و عدم الزام او، مجبور نبودن او، قابل خریداری شدن این کار یعنی قابل مبادله‌ی با پول این است. اینها چیزهایی است که خب در اسلام هست، در فقه اسلام هست؛ همان‌طور که اشاره کردند ایشان، واقعاً فقه ما فقه مترقی و برجسته‌ای است. یک چیزهایی از آن را بعضی می‌گیرند، یک چیزهایی از آن را فراموش می‌کنند، یک چیزهایی را هم به‌خاطر هماهنگی با این افکار هوچیگرانه‌ی غربی از این‌رو به آن‌رو می‌کنند (بیانات، ج ۳۶ ص ۵).

۵-۲- زن کدبانوی خانه

مهم‌ترین مسئولیت زن هم کدبانویی است؛ معنای کدبانویی خدمتگزاری نیست، معنایش این است که محیط خانواده را برای فرزندان و برای همسر یک محیط امن و آرام و مهربانی

می‌کند، با مهربانی خودش، با عزّتی که در خانه برای او فرض می‌شود (بیانات، ج ۳۸ ص ۱۳). پس وظیفه‌ی اختصاصی زن عبارتست از: وظیفه‌ی مادری، مادر شدن که تعبیر دیگری است از همسر بودن و کدبانو بودن، این یک وظیفه است (۱۳۹۸ ج، ص ۱۲۹).

وظایف داخل خانهٔ زنان، نه اهمیتش کمتر از وظایف بیرونی است و نه اینکه زحمتش کمتر است. شاید زحمتش بیشتر هم باشد. او هم برای اینکه این محیط را اداره کند، به تلاش و کوشش احتیاج دارد. چون مدیر داخل خانه زنان هستند. آن کسی که اداره می‌کند، کدبانو، یعنی آن کسی که محیط خانواده تحت اشراف اوست. تحت نظارت و تدبیر و مدیریت اوست. خیلی کار پرزحمتی است. خیلی کار ظریفی است. فقط هم ظرافت زنانه از عهدهٔ انجام این کار برمی‌آید. هیچ مردی امکان ندارد بتواند این ظرافتها را رعایت کند. پس زن توی خانه که بیکار نیست. یک عده‌ای خیال می‌کنند زن در خانه بیکار است. نخیر، زن توی خانه، بیشترین و سخت‌ترین و ظریف‌ترین کارها را انجام می‌دهد (۱۳۹۸، ص ۱۴۰).

برخی فکر می‌کنند اگر زنی مثلاً کارش عبارت شد از همان کار خانه، این اهانت به زن است؛ نه! هیچ اهانت نیست. بلکه مهم‌ترین کار برای زن این است که زندگی را سر پا نگهدارد (۱۳۹۸، ص ۱۴۰). فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) یک زن اسلامی است، زن در بالاترین طراز زن اسلامی، یعنی در حدّ یک رهبر، اما همین زنی که از لحاظ فضایل و مناقب و حدّ وجودی می‌توانست پیغمبر باشد، همین زن مادری می‌کند، همسری می‌کند، خانه‌داری می‌کند؛ ببینید اینها را باید فهمید. این فریفتگان غافل - انسان چه بگوید؟ - حرفهای پوچ غربی‌ها، این قدر خانه‌داری را تحقیر نکنند. معنای خانه‌داری زن تربیت انسان است، معنایش تولید والاترین و بالاترین محصول و متاع عالم وجود است؛ یعنی بشر. خانه‌داری یعنی این... حدّ زن مسلمان را درست تشخیص بدهیم. ... امروز نیاز جامعه‌ی ما به این است که بداند مادری یعنی چه؟ زن خانه بودن یعنی چه؟ کدبانو بودن یعنی چه؟ فاطمه‌ی زهرا با آن شأن و با آن رتبه و با آن مقام و با آن عظمت، یک خانم خانه‌دار است؛ این تحقیر او نیست؛ او که با آن عظمت قابل تحقیر نیست، مگر این عظمت را می‌شود کوچک شمرد؟ این عظمت

به جای خود محفوظ است، اما یکی از شئون و یکی از مشاغل همین عظمت عبارت است از همسر بودن یا مادر بودن و خانه‌داری کردن؛ با این چشم به این مفاهیم نگاه کنیم (بیانات، ج ۳۸، ص ۶۱).

۶- همسری و آرامش بخشی

این آیه‌ی شریفه در مورد زن و مرد - عمدتاً در داخل خانواده - چه میفرماید «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (روم: ۲۱) یعنی از جمله‌ی نشانه‌های قدرت الهی یکی این است که برای شما انسانها، از نوع خودتان و از جنس خودتان همسرانی قرار داد؛ برای شما مردان، زنان را و برای شما زنان، مردان را. از خودتان هستند؛ «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» جنس جداگانه‌ای نیستند، در دو رتبه‌ی جداگانه نیستند؛ همه یک حقیقتند، یک جوهر و یک ذاتند. البته در بعضی از خصوصیات، با هم تفاوت‌هایی دارند؛ چون وظایفشان دوتاست. بعد میفرماید: «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا». یعنی زوجیت و دوجنسی در طبیعت بشر، برای هدف بزرگی است. آن هدف، عبارت است از سکون و آرامش، تا شما در کنار جنس مخالف خودتان در درون خانواده - مرد در کنار زن، زن در کنار مرد - آرامش پیدا کنید. برای مرد هم آمدن به داخل خانه، یافتن محیط امن خانه، زن مهربان و دوستدار و امین در کنار او، وسیله‌ی آرامش است؛ برای زن هم داشتن مرد و تکیه‌گاهی که به او عشق بورزد ... مایه‌ی آرامش و سعادت است. خانواده این را برای هر دو تأمین میکند. مرد برای پیدا کردن آرامش، به زن در محیط خانواده احتیاج دارد؛ زن هم برای یافتن آرامش، به مرد در محیط خانواده نیازمند است ... هر دو برای سکون و آرامش، به هم احتیاج دارند (۱۳۹۸، ص ۲۴). بنابراین زن در خانواده در نقش همسری، در درجه‌ی اول مظهر آرامش است ... چون زندگی تلاطم دارد؛ مرد در این دریای زندگی مشغول کار و تلاطم است؛ وقتی به خانه می‌آید، احتیاج به آرامش دارد، احتیاج به سکینه دارد. این سکینه را زن در خانه ایجاد میکند... مرد در کنار زن احساس آرامش کند؛ زن مایه‌ی آرامش است. نقش زن به عنوان همسر، عشق و آرامش است، ... یعنی زن به عنوان همسر این جوری است: مایه‌ی سکونت، مایه‌ی عشق و آرامش و

مانند اینها است ... در یک آیه‌ی دیگر هم «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً» (روم: ۲۱)، «مَوَدَّةً» یعنی همان عشق؛ «رَحْمَةً» یعنی مهربانی؛ بین زن و شوهر عشق و مهربانی متبادل میشود. نقش زن به عنوان همسر این است؛ این نقش کوچکی نیست، خیلی نقش مهمی است، خیلی نقش بزرگی است. این مربوط به همسری (بیانات، ج ۴۴ ص ۶۹).

هر تلاشی که یک مرد در میدانهای مختلف انجام میدهد، به میزان زیادی مرهون همکاری، همراهی، صبر و سازگاری همسر اوست؛ همیشه همینطور بوده است. فرموده‌اند: «وَّ جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ». حُسْنُ التَّبَعْلِ یعنی چه؟ عده‌ای خیال میکنند جهاد زن این است که فقط وسایل راحتی مرد را فراهم کند. حسن تبعل فقط این نیست؛ این جهاد نیست؛ جهاد این است که زنان مبارز، مؤمن و فداکار وقتی شوهرهایشان مسؤولیتهای سنگینی دارند، بار آن سنگینی به میزان زیادی روی دوش آنها می‌افتد. شماها مأموریت دارید؛ خدمات شما همینطور است. وقتی مرد خسته میشود، اثر خستگی او در خانه ظاهر میشود. وقتی به خانه می‌آید، خسته، کوفته و گاهی بداخلاق است و این بداخلاقی و خستگی و بی‌حوصلگی ناشی از محیط کار، به داخل خانواده منعکس میشود. حالا این خانم اگر بخواهد جهاد بکند، جهاد او این است که با این زحمتهای بسازد و آنها را برای خدا تحمل کند؛ این میشود «حُسْنُ التَّبَعْلِ» (۱۳۹۸ ب، ص ۵۸).

زن به یک جایگاه مصنوعی و تصنعی و تشریفاتی احتیاج ندارد؛ جایگاهی که دون شأن متانت و سکینه و آرامش روحی اوست. در طبیعت الهی زن، آن چنان لطافت و زیبایی و گرمای محبتی وجود دارد که می‌تواند هم خود را و هم محیط پیرامون خود را - چه در داخل خانه، چه در هر محیطی که باشد - به طرف معنویت، پیشرفت و علو مقامات علمی و عملی سوق دهد و پیش ببرد (بیانات، ج ۲۷ ص ۲۵). بنابراین ضرورت دارد نگاه کنید ببینید عوامل سلب آرامش و سکینه‌ی روحی زن در خانواده چه چیزهایی است؟ دنبال این باشید که با قانون، با روشهای تبلیغی، با روشها و شیوه‌های گوناگون، اینها را برطرف کنید. این،

اساس قضیه است. زن در خانه مایه‌ی آرامش است؛ مایه‌ی آرامش مرد، و مایه‌ی آرامش فرزندان؛ دختر و پسر. اگر خود زن برخوردار از آرامش روانی و روحی نباشد، نمی‌تواند این آرامش را به خانواده بدهد. زنی که مورد تحقیر قرار بگیرد، مورد اهانت قرار بگیرد، مورد فشار کار قرار بگیرد، نمی‌تواند کدبانو باشد؛ نمی‌تواند مدیر خانواده باشد؛ درحالی‌که زن، مدیر خانواده است. این مسئله‌ی اصلی است. این یکی از آن اصلی‌ترین مسائل است، که خب در محیط زندگی ما - چه محیط‌های قدیمی ما، چه محیط‌های جدید ما - چندان مورد توجه قرار نگرفته است و باید مورد توجه قرار بگیرد(بیانات، ج ۳۶ ص ۵).

۷- هنر فرزندآوری و مادری

مسئله‌ی فرزندآوری ... خیلی مسئله‌ی مهمی است ... الان آمار فرزندآوری ما به قدر جانشینی هم نیست، یعنی کمتر از جانشینی است ... خطر بزرگی است، این از همه‌ی خطرات بزرگتر است ... (بیانات، ج ۴۱ ص ۲۵). فرزندآوری یکی از مهمترین مجاهدت‌های زنان و وظائف زنان است؛ چون فرزندآوری در حقیقت هنر زن است؛ اوست که زحماتش را تحمل می‌کند، اوست که رنج‌هایش را می‌برد، اوست که خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به او داده است. خدای متعال ابزار پرورش فرزند را به مردها نداده، در اختیار بانوان قرار داده؛ صبرش را به آنها داده، عاطفه‌اش را به آنها داده، احساساتش را به آنها داده، اندام‌های جسمانی‌اش را به آنها داده؛ در واقع این هنر زنها است. اگر چنانچه ما اینها را در جامعه به دست فراموشی نسپریم، آن وقت پیشرفت خواهیم کرد(بیانات، ج ۳۵ ص ۷).

علّت اینکه اسلام این قدر به نقش زن در داخل خانواده اهمیت می‌دهد، همین است که زن اگر به خانواده پایبند شد، علاقه نشان داد، به تربیت فرزند اهمیت داد، به بچه‌های خود رسید، آن‌ها را شیر داد، آن‌ها را در آغوش خود بزرگ کرد، برای آن‌ها آذوقه‌های فرهنگی - قصص، احکام، حکایت‌های قرآنی، ماجراهای آموزنده - فراهم کرد و در هر فرصتی به فرزندان خود مثل غذای جسمانی چشانیید، نسلها در آن جامعه، بالنده و رشید خواهند شد. این، هنر زن است و منافاتی هم با درس خواندن و درس گفتن و کار کردن و ورود در سیاست و

امثال این‌ها ندارد (بیانات، ج ۱۸ ص ۴۰). زنانی که به خاطر فعالیت‌های خارج از خانواده، از آوردن فرزند استنکاف می‌کنند، برخلاف طبیعت بشری و زنانه‌ی خود اقدام می‌کنند. خداوند به این راضی نیست. کسانی که فرزند و تربیت فرزند و شیر دادن به بچه و در آغوش مهر و عطوفت بزرگ کردن فرزند را برای کارهایی که خیلی متوقف به وجود آن‌ها هم نیست، رها می‌کنند، دچار اشتباه شده‌اند. بهترین روش تربیت فرزند انسان، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند. زنانی که فرزند خود را از چنین موهبت الهی محروم می‌کنند، اشتباه می‌کنند؛ هم به ضرر فرزندشان، هم به ضرر خودشان و هم به ضرر جامعه اقدام کرده‌اند. اسلام، این را اجازه نمی‌دهد. یکی از وظایف مهم زن، عبارت از این است که فرزند را با عواطف، با تربیت صحیح، با دل دادن و رعایت و دقت، آن‌چنان بار بیاورد که این موجود انسانی - چه دختر و چه پسر - وقتی که بزرگ شد، از لحاظ روحی، یک انسان سالم، بدون عقده، بدون گرفتاری، بدون احساس ذلت و بدون بدبختیها و فلاکتها و بلایایی که امروز نسل‌های جوان و نوجوان غربی در اروپا و امریکا به آن گرفتارند، بار آمده باشد (همان).

در مورد مادری نقش زن، نقش حق حیات است؛ یعنی زن تولیدکننده‌ی موجوداتی است که از او به وجود می‌آیند. این است دیگر. او است که حمل می‌کند، او است که وضع می‌کند، او است که تغذیه می‌کند، او است که نگهداری می‌کند. جان انسانها در مشیت مادرها است؛ مادرها به فرزند حق حیات دارند. محبتی که خدای متعال در دل مادر نسبت به فرزند قرار داده، یک چیز بی‌نظیر است؛ یعنی اصلاً هیچ عشقی از این نوع نیست، به این کیفیت نیست که آن را قرار داده. صاحب حق حیات است، بعد ادامه‌ی نسل؛ مادرها مایه‌ی ادامه‌ی نسلند، یعنی نسل بشر با «مادری» است که ادامه پیدا می‌کند. افزون بر این مادرها مایه‌ی انتقال عناصر هویت ملی‌اند؛ هویت ملی یک چیز مهمی است. یعنی هویت یک ملت، شخصیت یک ملت در درجه‌ی اول به وسیله‌ی مادرها منتقل میشوند؛ زبان، عادات، آداب، سنت‌ها، اخلاقی‌های خوب، عادات‌های خوب، اینها همه در درجه‌ی اول به وسیله‌ی مادر منتقل میشود. پدر هم مؤثر است اما خیلی کمتر از مادر؛ مادر بیشترین تأثیر را دارد. همچنین افشاندگی

بذر ایمان در دلها؛ مادرها هستند که فرزند را مؤمن بار می‌آورند. «ایمان» درس نیست که آدم به یکی درس بدهد یاد بگیرد؛ ایمان یک رویش است، یک رشد معنوی است که بذرافشانی لازم دارد؛ این بذرافشانی به وسیله‌ی مادر انجام میگیرد و مادر این کار را میکند. اخلاق را همین طور. بنابراین نقش فوق‌العاده است (بیانات، ج ۴۴ ص ۶۹).

نقش مادر از دوران حمل و بارداری شروع می‌شود و تا آخر زندگی انسان ادامه دارد. مردی که به دوران جوانی رسیده یا از دوران جوانی هم عبور کرده، باز تحت تأثیر عطف و محبت و شیوه‌های خاص مادرانه‌ی مادر است. اگر زنان ما از لحاظ رتبه‌ی معرفتی و بینش و معلومات، سطح خود را ارتقاء دهند، این نقش با هیچ نقش دیگری، با هیچ مؤثر دیگری از مؤثرات فرهنگی و اخلاقی تا آخر قابل مقایسه نیست. یک وقت مادری از لحاظ معرفت سطحش پایین است؛ البته این نمی‌تواند در دوران بزرگی اثرگذاری کند؛ این گناه کم بودن معلومات یک انسان است؛ این نقص تأثیر مادری نیست. مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند. همه تحت تأثیر مادران هستند. آنکه بهشتی می‌شود، پایه‌ی بهشتی شدنش از مادر است؛ که «الجنة تحت اقدام الأمهات» (بیانات، ج ۲۷ ص ۲۹).

اسلام در برخی جاها حتی زن را بر مرد ترجیح داده است. مثلاً آنجا که مرد و زن، پدر و مادری هستند که فرزندی دارند، این فرزند اگرچه فرزند هر دو نفر است، اما خدمتگزاری فرزند در مقابل مادر، لازم‌تر است. حق مادر بر گردن فرزند، بیشتر و وظیفه‌ی فرزند نسبت به مادر سنگین‌تر است... پس، زن در مقیاس خانواده و در رابطه‌ی با فرزندان، حق سنگین‌تری دارد... به این جهت است که زنان زحمت بیشتری تحمل می‌کنند. این هم عدل الهی است. زحمت بیشتر است؛ پس حق هم بیشتر است. ناراحتی بیشتری تحمل می‌کند؛ پس ارزشش بالاتر است. همه‌ی این‌ها از روی عدالت است... روش اسلام روش متعادل است. قانون اسلامی، در این چیزها هم نگذاشته است که ذره‌ای به زن یا به مرد ظلم شود. حقی

برای مرد و حقی هم برای زن قرار داده است. یک وزنه در کفّی مرد قرار داده و یک وزنه هم در کفّی زن قرار داده است (بیانات، ج ۱۶، ص ۲۳).

۸- حفظ نهاد خانواده از آسیب‌ها

مسئله‌ی خانواده خیلی مهم است. خانواده کانون پرورش خصلت‌های خوب و رفتارهای خوب، و نیز خصلت‌ها و رفتارهای بد، ... اشکال کار این است که اولاً اساس خانواده با امواج خیلی تند و بی‌رحمانه‌ی تبلیغات غربی دچار تزلزل و تهدید است؛ یعنی یکی از مسائل اساسی که امروز در تمدن غربی وجود دارد چیزهایی است که منتهی می‌شود به فروریزی و فروپاشی خانواده؛ این امواج سرازیر می‌شود، سرریز می‌شود به جوامع دیگر از جمله جوامع اسلامی؛ جامعه‌ی ما. امروز شما ملاحظه می‌کنید تبلیغاتی دارد انجام می‌گیرد در ردّ تشکیل خانواده که اصلاً به تشکیل خانواده چه نیازی وجود دارد؛ نه نیاز جنسی احتیاج دارد به خانواده؛ نه فرزندآوری نیاز دارد به خانواده؛ بنابراین خانواده چیست؟ یک تعهد بیخودی. این دارد تبلیغ می‌شود، یعنی برای این استدلال می‌شود؛ هم کتاب مینویسند، هم مقاله مینویسند، هم در تبلیغات هنری - سینما و فیلم و تلویزیون - و مانند اینها در سطح دنیا ترویج داده می‌شود. خب، ترشحاتش به اینجا هم میرسد؛ بنابراین کار حمایت و حراست از بقای خانواده و حراست از خانواده کار بسیار مهمی است (بیانات، ج ۳۸، ص ۱۱۳).

در این برهه‌ی از زمان روی مسئله‌ی خانواده تکیه کنید. دشمن - نه دشمن ایران یا دشمن انقلاب؛ دشمن بشریت - تصمیم گرفته که نظام خانواده را در بین بشر از بین ببرد. خانواده سنت الهی است. دشمن بشریت یعنی جریان سرمایه‌داری بین‌المللی و صهیونیسم تقریباً از حدود صد سال پیش تصمیم گرفتند که خانواده را در بین بشر از بین ببرند؛ ... دارند تلاش می‌کنند. این ازدواج‌های سخت، این ازدواج‌های دیر، این فرزندآوری کم، این به تعبیر غلط زشتشان «ازدواج‌های سفید» - که سیاه‌ترین نوع زندگی مزدوج است - همه‌ی اینها به خاطر این است که خانواده از بین برود. رواج شهوات، از بین رفتن حیا و عفت، امروز جزو برنامه‌های دشمن است. شما مبارزه‌ی با اینها را جزو برنامه‌های خودتان قرار بدهید. طهارت

و پاکیزگی دامان جوانهای این کشور را مورد همت خودتان قرار بدهید، بر آن همت بگمارید؛ و این یکی از بهترین کارها و یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای حفظ انقلاب و برای رشد انقلاب و برای حفظ نظام اسلامی است (بیانات، ج ۴۰ ص ۵۱).

اسلام ... با کمال قدرت و قوت ایستاده است و بین زن و مرد در جامعه، مرزی قرار داده است. از نظر اسلام، هیچ‌کس حق ندارد که این مرز را زیر پا بگذارد و بشکند؛ چون از نظر اسلام، خانواده خیلی مهم است. رابطه‌ی زن و مرد در محیط خانواده به‌گونه‌ای است، و در محیط جامعه، به‌گونه‌ای دیگر است. اگر آن ضوابطی که اسلام در محیط جامعه به عنوان حایل بین زن و مرد قرار داده است، بشکند، خانواده خراب می‌شود. در خانواده، غالباً به زن و گاهی هم به مرد، ممکن است ظلم شود. فرهنگ اسلامی، فرهنگ عدم اختلاط زن و مرد است. چنین زندگی‌ای با خوشبختی ادامه می‌یابد و می‌تواند به درستی و با رعایت موازین عقلی بچرخد و حرکت کند و به پیش برود. در اینجا اسلام سخت‌گیری کرده است. اگر آن حدّ و مرزی که در جامعه قرار داده شده است، چه از طرف زن و چه از طرف مرد بشکند، اسلام در مقابل آن سخت‌گیری می‌کند؛ درست نقطه‌ی مقابل آنچه که شهوترانان عالم می‌خواسته‌اند و عمل می‌کرده‌اند. قدرتمندان و زرمندان و زورمندان، مردشان، زنشان و زیردست‌هایشان و کسانی که با آنها و برای آنها زندگی می‌کرده‌اند، همیشه عکس این عمل می‌کرده‌اند. آنها مایل بوده‌اند که این حجاب بین زن و مرد، از بین برود، که این، البته برای زندگی جامعه مضرّ و برای اخلاق جامعه بد است. برای حفظ عفت جامعه زیانبار و بخصوص برای خانواده از همه چیز بدتر است. این، بنیان خانواده را متزلزل می‌کند (بیانات، ج ۱۶ ص ۲۳). اما اینجا، آن مرز بین زن و مرد وجود دارد. معنای آن مرز هم این نیست که زنان و مردان در یک محیط تحصیل نکنند، در یک محیط عبادت نکنند، در یک محیط کار نکنند و در یک محیط خرید و فروش نکنند - که این قبیل موارد، فراوان است - بلکه معنایش این است که حدّ و حدودی در اخلاق معاشرتی خودشان قائل باشند. و این کار بسیار خوبی است (همان).

بعضی‌ها برای اینکه غربی‌ها بدشان نیاید، بعضی از حقایق احکام اسلامی را، وضاحت احکام اسلامی را عوض می‌کنند. قرآن می‌فرماید: **وَإِنْ تَطِيعُ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ** (انعام: ۱۱۶)، دنباله‌رو فکر رایج در دنیای جهل و خرافه نباید بود؛ فکر اسلامی را باید پیدا کرد، دنبال آن باید رفت، ولو حالا یک عده‌ای بد بگویند. این هم یک مسئله است؛ بنابراین مسئله‌ی اصلی را باید پیدا کرد. به نظر من مسئله‌ی اصلی، یعنی یکی از مسائل اصلی، مسئله‌ی خانه و خانواده است: امنیت زن در محیط خانواده؛ فرصت زن در محیط خانواده و خانه‌داری برای بروز استعدادها؛ مانع درس خواندن او، مانع مطالعه کردن او، مانع فهمیدن او، مانع نوشتن او نشود ... میدان برای این کارها فراهم باشد؛ این اساس قضیه است (بیانات، ج ۳۶ ص ۵). اینهایی که از حقوق زن می‌خواهند دفاع کنند، به قول معروف شیپور را از سر گشادش میزنند و نمیفهمند چه بگویند و از چه چیز زن دفاع کنند، میگویند چرا زن مدیریت نکند؛ مگر مدیریتها یک افتخار است برای یک انسان که دنبال این باشد ... اسمش را هم میگذارند عدالت جنسیتی؛ این عدالت است؟ آن کسانی که در دنیا برابری جنسیتی را مطرح میکردند و دنبال آن بودند، امروز این قدر بدبختی و فساد از این ناحیه گریبان‌گیرشان شده که خودشان پشیمانند؛ البته خیلی‌هایشان صریحاً اقرار نمیکنند، خیلی‌هایشان هم با این فرهنگ بزرگ شدند، نمیفهمند چه اتفاقی دارد می‌افتد؛ اما اندیشمندان‌شان چرا، اندیشمندان‌شان میگویند، میفهمند، اظهار نگرانی میکنند. خدا کند این کسانی که در داخل اسم عدالت جنسیتی می‌آورند، مرادشان این چیزی که به‌عنوان برابری جنسیتی مطرح شده، نباشد (بیانات، ج ۳۸ ص ۶۱). بعد مسئله‌ی طلاق است ... طلاق، واقعاً آفتی است؛ طلاقهای توافقی، طلاقهای آسان، طلاقهای ناشی از یک اختلاف مختصر جزئی. درحالی‌که قرآن به ما میگوید: **فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا** (نساء: ۳۵)، ما باید کاری کنیم که نگذاریم این اختلافات کوچک به جاهای عمیق برسد و در نهایت به طلاق منتهی بشود. این هم این مسئله است (بیانات، ج ۳۸ ص ۱۳؛ و نک: بیانات، ج ۴۱ ص ۲۰).

اشکال کار ما در بسیاری از جاها این است که دستور می‌دهیم، نصیحت می‌کنیم، استدلال می‌کنیم، منطق می‌آوریم، اثر نمی‌کند؛ چرا؟ برای اینکه فضای عمومی فضای متناسب با آنچه ما خواسته‌ایم نیست. من بارها تکرار کرده‌ام «فرهنگ‌سازی»؛ فرهنگ‌سازی یعنی همین کاری که شما می‌توانید بکنید. یک جا لازم است فضای کشور فضای استقامت در مقابل دشمن باشد، یک جا لازم است فضای هجوم به دشمن باشد، یک جا لازم است فضای پیروی از دانش و علم باشد، یک روز لازم است فضای تعقل و تدبّر باشد؛ فضا سازی باید بشود (بیانات، ج ۴۴ ص ۷۱).

نتیجه‌گیری

خانواده نقطه شروع جامعه است و در طول تاریخ زیربنایی‌ترین نهاد اجتماعی در جوامع مختلف و خاستگاه فرهنگ و تمدن بوده‌است. این نهاد اصیل امروزه با چالش‌های بسیار مواجه شده است. از آنجا که زن در نهاد خانواده نقش سازنده و محوری دارد، لذا دو گفتمان اصلی تحت عنوان دفاع از زن در راه دستیابی به نقطه مطلوب مطرح است، طبق گفتمان غربی یک نوع حالت تخاصم و جدایی و رقابت خصمانه میان دو جنس زن و مرد به وجود می‌آید، گویا در جامعه‌ی بشری، مردان یک طرف قرار دارند، زنان هم در طرف دیگر و این‌ها بر سر دستاوردی باهم نزاع می‌کنند و زن وارد میدان مبارزه با مرد می‌شود تا بر مرد غالب و فائق شود! نتیجه این گفتمان در جامعه غربی تضعیف بلکه تزلزل و از میان رفتن بنیان خانواده بوده است. اما گفتمان دیگری که امام خامنه‌ای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی تعریف می‌کند آن است که برای رساندن زن به کمال وجودی خودش تلاش شود. این همان مبنای کلانی است که بر محور آن انتظار از زن به ویژه در نهاد خانواده در اندیشه امام خامنه‌ای بیان شده است. مساله مهم در این میان لزوم آگاهی زنان از جایگاه و حقوق و تکالیف زن مسلمان است زیرا در سایه چنین آگاهی است که زن در برابر گفتمان فریبنده غرب واکنش می‌شود. از نظر اسلام از لحاظ ارزش‌گذاری انسانی و اسلامی، هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست و برای زنان به همان اندازه مردان امکان دستیابی به مراحل عالی کمال وجود

دارد و این مهم در چارچوب حرکت در مسیر شکوفایی ظرفیت‌ها و استعداد‌های وجودی بالقوه زن محقق می‌شود. نظام آفرینش مبتنی بر زوجیت است و در فطرت و طبیعت زن و مرد زوج‌طلبی نهادینه شده است. از این رو ازدواج نه تنها یک نیاز است بلکه به عنوان یک وظیفه مورد انتظار است و بایستی این وظیفه بهنگام و طبق مقررات انجام بگیرد. در این نهاد مقدس زن در جایگاه رکن اصلی قرار دارد و لازم است به شایسته خود برای حفاظت و حراست از کیان آن توجه داشته باشد و از او انتظار می‌رود در وظیفه خانه‌داری کم نگذارد. خانه داری به معنای خدمتگزاری نیست بلکه زن در مقام کدبانوی خانه، محیط خانواده را برای فرزندان و برای همسر یک محیط امن و آرام و مهربانی می‌کند. بنابراین زن در خانواده در نقش همسری، در درجه‌ی اول مظهر آرامش است و باید در جهاد زنانگی سنگ تمام بگذارد. از طرف دیگر دومین انتظار برجسته از زن در خانواده مادری است و از دامن زنان است که نسلی بالنده و رشید وارد جامعه می‌شود و جامعه اوج می‌گیرد. وظیفه مادران است که با عواطف سرشار خود و با تدبیر لازم، تربیت صحیح، هویت عالی و ایمان عمیق را در وجود فرزندان خود نهادینه کند. زنان وقتی به جایگاه وجودی ممتاز و ارزش ذاتی حقیقی خود پی‌برند، به هویت زنانه خود افتخار کرده و با تمام وجود از آن حفاظت می‌کنند، بلکه قیام کرده و به میدان می‌آیند و از کیان خانواده حراست می‌نمایند.

فهرست منابع

قرآن کریم

- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۸، نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۱۶، نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۱۸، نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۲۷، نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۳، نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۵، نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۶، نرم افزار نورولایت ۳.

- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۳۸، نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۴۰، نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۴۱، نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۴۲، نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، بیانات، جلد: ۴۴، نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۱.ه.ش)، تفسیر سوره‌ی بقره، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران - ایران. نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸ الف)، جایگاه و مسائل زنان در فرهنگ اسلام و تجدد، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران - ایران. نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸ ب)، زن و خانواده، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران - ایران. نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸ ج)، عرصه‌های حضور اجتماعی زن، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران - ایران. نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸ د)، مطلع عشق، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران - ایران. نرم افزار نورولایت ۳.
- خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰)، طرح کلی اندیشه اسلامی، انتشارات مؤسسه ایمان جهادی، چاپ سی و سوم، مشهد.